

نقش میانجی‌گری احساس بیگانگی در پیش‌بینی ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان براساس بی‌توجهی (فابینگ) ادراک شده از سوی والدین

احمد یوسفی^۱، شیدا سوداگر^۲، شایسته صابری^۳

^۱ هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

^۲ هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

^۳ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش میانجی‌گری احساس بیگانگی در پیش‌بینی ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان بر اساس بی‌توجهی (فابینگ) ادراک شده از سوی والدین بود. پژوهش حاضر توصیفی از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد. به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش از میان کلیه دانش آموزان دختر و پسر مشغول به تحصیل در تمامی پایه‌های متوسطه اول و سوم در بازه سنی (۱۲-۱۸) سال شهر کرج نمونه‌ای با حجم ۲۵۰ نفر به شیوه‌ی در دسترس انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه قلدری-قربانی سایبری آنتیادو و همکاران، مقیاس ادراک فرزند از فابینگ پدر و مادر از پرسشنامه عمومی فابینگ یاسونوند و همکاران و پرسشنامه از خودبیگانگی سیمن استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد اثر فابینگ (بی‌توجهی) ادراک شده از سوی والدین بر قلدری سایبری ($\beta = -0.06$) به صورت مستقیم از نظر آماری معنادار نیست، اثر مستقیم احساس بیگانگی بر قلدری سایبری ($\beta = 0.25$) معنادار می‌باشد و درنهایت ادراک بی‌توجهی (فابینگ) از سوی والدین، با نقش میانجی‌گری احساس بیگانگی، می‌تواند قلدری سایبری ($\beta = 0.13$) را در نوجوانان پیش‌بینی کند. بر این اساس، نظارت و توجه والدین به برقراری تعاملات مثبت و سازنده والد-فرزند در محیط خانواده می‌تواند در پیشگیری از بروز رفتارهای آسیب‌زا مانند قلدری سایبری در نوجوانان مؤثر واقع شود و به بهبود سلامت روانی و اجتماعی آن‌ها کمک کند.

کلیدواژه‌ها: بی‌توجهی (فابینگ) والدین، قلدری سایبری، احساس بیگانگی، نوجوانان

مقدمه

دوره نوجوانی به عنوان یکی از حساس‌ترین مراحل رشد انسان، با تغییرات شناختی، عاطفی و اجتماعی گسترده‌ای همراه است. در این دوره، نوجوانان ضمن تلاش برای کسب هویت مستقل و شکل‌گیری روابط با همسالان، نیازمند توجه و حمایت والدین هستند. این مرحله تحولی با چالش‌های متعددی همراه است که می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات رفتاری و هیجانی شود. براساس برآوردهای بین‌المللی آمار قلدری سایبری در بین نوجوانان طی سه سال اخیر از ۳۰ درصد به ۶۰ درصد رسیده است (یولفا^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). قلدری سایبری یک رفتار پرخاشگری عامدانه و آزار دهنده است که توسط فرد یا گروهی از افراد در یک سن خاص ایجاد می‌شود. وجود چنین رفتارهایی بعضاً منشأ خانوادگی داشته. قلدری از سوی افراد معمولاً متوجه گروه ضعیف‌تر است و به طور مکرر رخ می‌دهد و باعث آزار روانی افراد ضعیف‌تر می‌شود. اواخر دوران کودکی و نوجوانی، دوره‌های گذار حیاتی هستند. برای افراد در آن دوره‌ها، خانواده یکی از مهم‌ترین عوامل محافظتی برای رشد سالم نوجوانان است (هال لند و همکاران، ۲۰۰۷)، و والدین منابع مهم اجتماعی شدن هستند (بوگنشنایدر^۲، ۱۹۹۶؛ کنگر^۳ و همکاران، ۱۹۹۲؛ دارلینگ و استینبرگ^۴، ۱۹۹۳). مدل تلفیقی فرزندپروری بیان می‌کند که شیوه‌های فرزندپروری مستقیماً بر رفتارها و ویژگی‌های کودکان و نوجوانان تأثیر می‌گذارد (دارلینگ و استاینبرگ، ۱۹۹۳).

با توسعه فناوری اطلاعات، استفاده از تلفن‌های هوشمند در زندگی روزمره انفجاری رخ داده است. به عنوان مثال، تعداد کاربران گوشی‌های هوشمند تا پایان ژوئن ۲۰۱۹ حدود ۸۴۷ میلیون نفر در چین برآورد شد (مرکز اطلاعات شبکه اینترنتی چین، ۲۰۱۹). مهم‌تر از آن، افراد احساس می‌کنند که از گوشی‌های هوشمند خود جدا نیستند (لپ^۵ و همکاران، ۲۰۱۵).

مبانی نظری

از خود بیگانگی در نوجوانان

از خود بیگانگی، یکی از مهم‌ترین مسائل انسان شناختی است که در رشته‌های گوناگون علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و حتی روان‌پزشکی مورد توجه قرار گرفته است. واژه ی «alienation» در معنای فارسی «از خودبیگانگی» ترجمه می‌شود. از خودبیگانگی برای بسیاری از دردهای فردی و اجتماعی انسان تعریف می‌شود. از خودبیگانگی، در تاریخ علوم روانشناسی سابقه طولانی دارد. ریشه این اصطلاح کلمه لاتینی «alius» به معنای «دیگر» است. پسوند en در زبان لاتینی صفت ساز است؛ بنابراین، «alien» به معنای منسوب به دیگری است. از صفت alien فعل alienate ساخته شده است، به معنای «از آن شخص دیگر کردن است. سپس از این کلمه، اسم فعل alienation به معنای «انتقال به غیر» (الیناسیون) ساخته شده است.

پیامدهای از خود بیگانگی در نوجوانان

جوامع همواره شاهد نزاع‌ها و درگیری‌های فیزیکی و روانی بین افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف بوده است و این بحث ذهن متفکران علوم مختلف به خصوص روانشناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و عالمان علم سیاست را متوجه این سؤال کرده است که چه عواملی سبب بروز این پدیده و گرایش انسانها به رفتار جمعی می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی وجود دارد. مرتن این نوع رفتارها را محصول آشفتگی ساخت جامعه، عده‌ای دیگر؛ مانند مارکس آن را ناشی از وجود تضادهای موجود در بطن جامعه، گروهی دیگر وجود اینگونه رفتارها را نشانه‌سرپیچی انسانها از هنجارها می‌دانند. یکی از عواملی که سبب بروز رفتارهای جمعی در میان جوانان می‌شود، بیگانگی آن‌ها در قبال ارزش‌ها، هنجارها و ساخت اجتماعی است. معضلات بیگانگی مدتهاست که مورد بحث اندیشمندان علوم انسانی بوده و علاقه به آن به هیچ وجه کاهش نیافته است.

1 Ulfah, B

2 Bogenschneider, K.

3 Conger, R.

4 Darling, N., & Steinberg, L.

5 Lepp, A.

فضای مجازی و نقش آن در کودکان و نوجوانان

فضای مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با اینکه عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند به خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند. امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است. پست الکترونیک، پیام‌های کوتاه، چت روم‌ها، وب‌پایگاه‌ها و بازی‌ها، روش‌هایی برای گسترش و حفظ روابط اجتماعی شده‌اند. از آنجاکه حضور در فضای مجازی، فعالیت‌های زمان‌بر است، میزان تعامل و ارتباط افراد را در فضای واقعی با یکدیگر کاهش داده، و در این میان جوانان به لحاظ فراغت‌ی که دارند بیش از بزرگسالان مدت زمان بیشتری را به استفاده از فضای مجازی به خود اختصاص می‌دهند و بر خلاف فیلتر بودن شبکه اجتماعی، فیس‌بوک، بسیاری از کودکان و جوانان به دلیل متنوع بودن فضای این شبکه در برقراری ارتباط، تبادل آزادانه اطلاعات و وجود نداشتن عرصه عمومی عضو این شبکه شده‌اند. فضای مجازی بسته به ساختار اجتماعی شکل می‌یابد و رشد فناوری، همگرایی رسانه‌ای و مسائل مربوط به آن، در شرایط اجتماعی گوناگون بروندهای متفاوتی داشته است.

نقش منفی شبکه‌های اجتماعی بر تربیت کودکان و نوجوانان

آنچه که در زبان جامعه‌شناسی به عنوان اخلاق و هویت کودکان و یا اخلاق و هویت کودکان اجتماعی شناخته می‌شود همان چیزی است که تحت عنوان جامعه‌پذیری در فرآیند درونی شدن عقاید، ارزش‌ها و هنجارها و یگانگی فرد با فرهنگ و جامعه از آن بحث می‌شود. لذا این قواعد رفتار مجموعه‌ای از عقاید ارزش‌ها و هنجارهایی هستند که نسبت به فرد اموری بیرونی و مستقل تلقی می‌شود.

پدیده قلدری سایبری در نوجوانان و علت پیدایش آن

قلدری شکلی از رفتار پرخاشگرانه است؛ زمانی که افرادی مکرراً و عمدتاً از کلمات یا اعمالی بر علیه فرد یا گروهی استفاده کنند که باعث ناراحتی و تحقیر شدن آن‌ها شود، قلدری روی داده است. قلدری شامل سه نوع اصلی از آزار هیجانی، کلامی و جسمانی می‌شود. نوجوانانی که قلدری می‌کنند معمولاً اثر یا قدرت بیشتری بر دیگران دارند، یا اینکه می‌خواهند احساس ناامیدی و ضعف را در افراد دیگر ایجاد کنند. قلدری در نوجوانی به شدت آسیب‌زننده‌ای هم است؛ هم بر نوجوان قلدر و هم نوجوانی که قربانی قلدری قرار گرفته است.

راه‌های جلوگیری از خشونت سایبری

عمولاً افراد کم‌سن‌وسال قربانی قلدری سایبری می‌شوند. البته ممکن است از بزرگسالان هم زورگیری سایبری شود. تأثیرات منفی قلدری سایبری از زورگیری عادی بیشتر است. مهمترین تأثیرات منفی قلدری سایبری عبارتند از: • در قلدری سایبری پیام‌های آزاردهنده به مخاطبان بیشتری می‌رسند. • کلمات و تصاویر آزاردهنده اغلب در فضای مجازی باقی می‌مانند، حتی اگر شخصی محتوای آنلاین را پاک کند، باز • هم ممکن است اسکرین‌شات آن دست به دست بچرخد.

• قربانیان قلدری سایبری اغلب نمی‌دانند چه کسی آن‌ها را آزار می‌دهد، در نتیجه راهی برای پایان دادن به این اوضاع ندارند.
• قربانیان آزار و اذیت سایبری دچار مشکلات روانی مختلفی می‌شوند. مشکلات عاطفی، جسمی، روانی و حتی تحصیلی تنها بخشی از مسائل قربانیان قلدری سایبری هستند. کودکانی که آزار و اذیت سایبری می‌شوند، بر اثر استرس ناشی از این پدیده دچار مشکلات جسمی مختلف هم می‌شوند. معده‌درد، سردرد و بیماری‌های پوستی تنها بخشی از بیماری‌هایی است که کودکان در این شرایط دچارشان می‌شوند. عادات‌های غذایی و خواب کودکان هم ممکن است تحت‌تأثیر قلدری سایبری قرار بگیرند.

• قلدری سایبری بر نمرات دانش‌آموزان نیز تأثیر می‌گذارد. قربانیانی که کودک یا نوجوان هستند تمرکز لازم برای درس خواندن را ندارند، چراکه این آزار و اذیت تمام وقت و انرژی‌شان را می‌گیرد. • قلدری سایبری بر عزت‌نفس افراد و احساس ارزشمند بودن آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بسیاری از کودکانی که قربانی زورگیری مجازی می‌شوند، در مدرسه نیز از گروه‌های هم‌کلاسی‌ها یا دوستان طرد می‌شوند. این مسئله در نهایت باعث منزوی شدن این کودکان می‌شود.

نقش والدین در ایجاد حملات سایبری

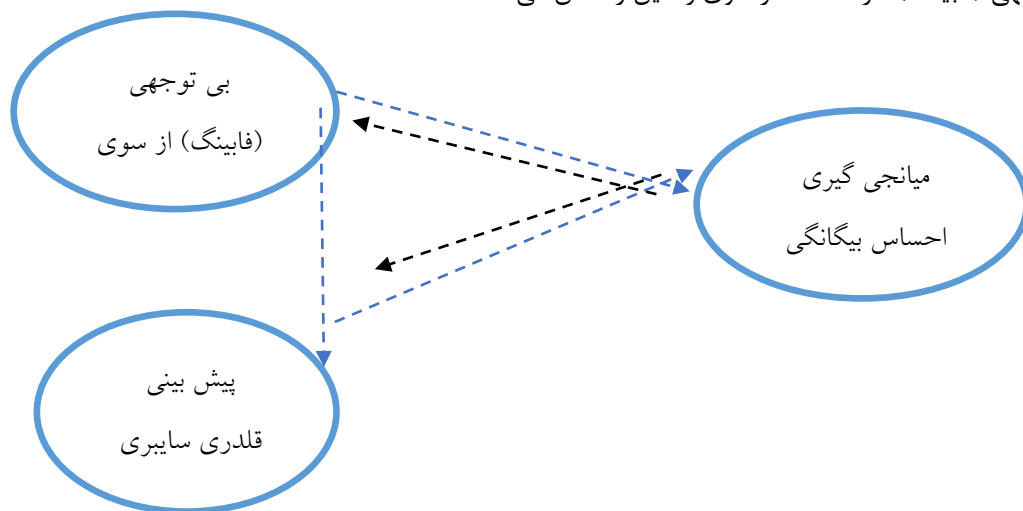
در این موضوع که امروزه اعتیاد به فضای مجازی باعث تضعیف شدن ارکان خانواده می‌شود؛ و برای حل این مشکلات باید قبل از ورود هر فناوری به جامعه فرهنگ سازی و بستر سازی شود؛ در غیر این صورت عوارض و آسیب‌های آن بسیار بیشتر از محاسن و امتیازات آن خواهند بود، امروزه فضای مجازی آفت روابط گفتاری و عاطفی در خانواده‌ها گردیده است و این در حالی است که متوسط زمان گفتاری در بین خانواده‌های ایرانی ۱۷ دقیقه برآورد می‌شد، فضای مجازی این فرصت کوتاه را از ما گرفته است و همانطور که مشاهده می‌کنید در بسیاری از جمع‌های خانوادگی هر کس به دنبال هدف خود در این فضا است. امروزه مشاهده می‌شود که پدر و مادر هر یک در گوشه‌ای از خانه مشغول استفاده از تلفن همراه هستند و فرزندان نیز در حد اعتیاد در این فضا و در چت روم‌های مختلف به گفت و گو می‌پردازند و می‌توان گفت فضای مجازی جایگزین روابط خانوادگی شده است؛ در حال حاضر ۴۰ میلیون از خانواده‌های ایرانی ما عضو شبکه‌های اجتماعی مثل تلگرام و اینستاگرام هستند.

نقش فابینگ خانواده در ایجاد قلدری سایبری

بنا به تعریف، 'Phubbing' عملی است که باعث می‌شود افراد در محیط‌های اجتماعی یا خانوادگی به جای توجه به دیگران به تلفن خود نگاه کنند. یا به عبارت ساده‌تر: «بی‌اعتنایی به دیگران با نگاه کردن به تلفن همراه». مطالعات نشان داده اند که بیش از ۱۷ درصد افراد حداقل چهار بار در روز در حضور دیگران و به هنگام صحبت با آن‌ها دزدکی تلفن‌شان را چک می‌کنند. تقریباً ۳۲ درصد افراد نیز، دو تا سه بار در روز «فابینگ» می‌کنند.

مدل پژوهشی تحقیق

نمودار زیر مدل مفهومی نقش میانجی‌گری احساس بیگانگی در پیش‌بینی ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان براساس بی‌توجهی (فابینگ) ادراک شده از سوی والدین را نشان می‌دهد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش: بررسی نقش میانجی احساس بیگانگی در ارتباط بین بی‌توجهی ادراک شده از سوی والدین (فابینگ) و ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان

پیشینه پژوهش

البوج-ساسو^۶ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی اقدام به بررسی نقش نظارت خانواده و فابینگ والدین در آزار و اذیت سایبری جوانان کردند. برای کاهش یا جلوگیری از تأثیرات آزار و اذیت اینترنتی، نوجوانان عمدتاً تحت تأثیر نحوه آموزش و نظارت آن‌ها در خانه در استفاده از فناوری قرار می‌گیرند. هدف اصلی ما بررسی ارتباط بد اخلاقی والدین و نظارت خانواده بر استفاده

⁶ Elboj-Saso, C.

از اینترنت و شبکه های اجتماعی با قربانی شدن و پرخاشگری آزار و اذیت سایبری بود. یک نظرسنجی برای بررسی این عوامل در نمونه ای از ۱۵۵۴ دانش آموز ۱۰ تا ۱۸ ساله در منطقه آراگون اسپانیا انجام شد. نظارت خانواده یک عامل محافظتی در برابر تبدیل شدن به یک متجاوز یا قربانی آزار سایبری است. نقش های متجاوز و قربانی با سطوح بالاتر تنبیه والدین مرتبط است. تجزیه و تحلیل چند گروهی با استفاده از مدل سازی معادلات ساختاری بر اساس سن و جنسیت تفاوت های خاصی را نشان داد. تفاوت های جنسیتی با تنبیه والدین مرتبط با احتمال متجاوز بودن پسرها پیدا شد. اگرچه نظارت خانواده از پسران و دختران محافظت می کرد، اما ارتباط قوی تری برای والدین دختران وجود داشت. تفاوت های کمتری برای گروه سنی مشاهده شد. این مطالعه رابطه قوی بین زورگویی سایبری، نظارت خانواده و بد اخلاقی والدین پیدا کرد. یافته های ما همچنین نشان می دهد که استراتژی های پیشگیری از آزار سایبری بسته به اینکه برای دختران یا پسران اعمال می شود، باید متفاوت باشد (البوج-ساسو و همکاران، ۲۰۲۳).

وانگ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی اقدام به بررسی فابینگ والدین و ارتکاب قلدری سایبری نوجوانان: یک مدل میانجیگری تعدیل شده کنار گذاشتن اخلاقی و عدم بازداری آنلاین کردند. مطالعه حاضر به دنبال این بود که بررسی کند که آیا فابینگ والدین به طور قابل توجهی با ارتکاب قلدری سایبری نوجوانان مرتبط است و آیا عدم مشارکت اخلاقی این رابطه را واسطه می کند یا خیر؛ و بررسی بیشتر این که آیا عدم بازداری آنلاین روابط مستقیم و غیرمستقیم بین فابینگ والدین و ارتکاب آزار سایبری نوجوانان را تعدیل می کند یا خیر. شرکت کنندگان شامل ۲۴۰۷ نوجوان از هفت مدرسه راهنمایی در چین بودند که پرسش نامه های مربوط به تجربه شان را با فابینگ والدین، جدایی اخلاقی، ارتکاب آزار سایبری و عدم بازداری آنلاین تکمیل کردند. نتایج نشان داد که نوجوانان با سطح بالایی از فابینگ والدین به احتمال زیاد دیگران را مورد آزار و اذیت سایبری قرار می دهند. عدم مشارکت اخلاقی به طور قابل توجهی رابطه بین فابینگ والدین و ارتکاب آزار سایبری نوجوانان را واسطه کرد. علاوه بر این، عدم بازداری آنلاین رابطه غیرمستقیم بین فابینگ والدین و ارتکاب آزار سایبری نوجوانان را تعدیل کرد. به طور خاص، مسیرهایی که از فابینگ والدین به کناره گیری اخلاقی و از کناره گیری اخلاقی به ارتکاب آزار و اذیت سایبری می رسد، زمانی تقویت شد که نوجوانان سطوح بالایی از عدم بازداری آنلاین را تجربه کردند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۹۴۱۹-۱۹۳۹۵).

مجدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی اقدام به بررسی نقش میانجی نشخوار خشم در رابطه کارکردهای خانواده با قلدری سایبری نوجوانان کردند. با افزایش استفاده از شبکه های اجتماعی و فضای مجازی قلدری سایبری هم در جهان مجازی افزایش یافته است. پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش میانجی نشخوار خشم در رابطه کارکردهای خانواده با قلدری سایبری نوجوانان انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی از طریق الگویابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ ساله مقطع دوم و سوم متوسطه شهر مشهد بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ مشغول به تحصیل بودند. بدین منظور ۴۷۱ نفر به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شدند داده ها از طریق پرسشنامه آنلاین در مدارس ناحیه دو مشهد جمع آوری شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه قلدری سایبری پاتچین و هیندوجا (۲۰۱۶)، کارکرد خانواده اپشتاین و بیشاب (۱۹۸۳) و نشخوار خشم سوخودولوسکی و همکاران (۲۰۰۱) بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از معادلات ساختاری در نرم افزار Spss نسخه ۲۶ و Smart PLS3 انجام شد. نتایج حاصل از معادلات ساختاری نشان داد که مسیرهای مستقیم از مؤلفه های کارکردهای خانواده شامل آمیزش عاطفی، حل مشکل، نقش ها و کنترل به نشخوار خشم، همچنین مسیر مستقیم از نشخوار خشم به قلدری سایبری و کارکرد خانواده به قلدری سایبری معنادار بودند و مسیرهای غیرمستقیم از کارکرد خانواده به قلدری سایبری با میانجیگری نشخوار خشم معنادار نبود. بر اساس نتایج این پژوهش کارکرد خانواده و نشخوار خشم می توانند قلدری سایبری در نوجوانان را پیش بینی کنند (مجدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱-۱۵).

صفری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی اقدام به بررسی مقایسه اثربخشی آموزش همدلی با آموزش مبتنی بر دیدگاه گیری اجتماعی بر هوش هیجانی نوجوانان دارای قلدری سایبری کردند. تحقیقات نشان داده است که قلدری در فضای سایبری پیامدهای منفی بر کارکردهای تحصیلی نوجوانان داشته و بین هوش هیجانی و قلدر بودن رابطه معکوس وجود دارد؛ بنابراین

هدف از پژوهش حاضر مقایسه اثربخشی آموزش همدلی با آموزش مبتنی بر دیدگاه-گیری اجتماعی بر هوش هیجانی نوجوانان دارای قلدری سایبری بود. دختر دوره اول متوسطه شهر بوشهر در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۴۵ نفر از آنان در دو گروه آزمایش (هر گروه ۱۵ دانش-آموز) و یک گروه کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. گروه‌های آزمایش تحت آموزش همدلی (۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای) و آموزش مبتنی بر دیدگاه-گیری اجتماعی (۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای) قرار گرفتند؛ اما گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکرد و در لیست انتظار باقی ماند. از پرسشنامه قلدری سایبری آنتیادو، کوکینوس و مارکوس (۲۰۱۶) و مقیاس تجدید نظر شده هوش هیجانی شاته و همکاران (۱۹۹۸) به‌منظور گردآوری داده‌ها استفاده شد. تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ در دو بخش توصیفی و استنباطی (تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر و آزمون تعقیبی بن-فرونی) انجام پذیرفت. نتایج نشان داد هر دو درمان مذکور در مرحله پس‌آزمون و پیگیری نسبت به گروه کنترل اثربخشی معناداری بر هوش هیجانی نوجوانان دارای قلدری سایبری اعمال کردند ($P < 0/05$). همچنین، آموزش مبتنی بر دیدگاه-گیری اجتماعی نسبت به آموزش همدلی در بهبود هوش هیجانی مؤثرتر بود ($P < 0/05$). بر اساس نتایج پژوهش حاضر، می‌توان گفت که آموزش مبتنی بر دیدگاه-گیری اجتماعی و آموزش همدلی می‌توانند به عنوان یک شیوه درمانی برای بهبود هوش هیجانی نوجوانان دارای قلدری سایبری در محیط‌های آموزشی و درمانی به کار برده شوند (صفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۵۳-۵۶۷).

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بوده و بر اساس رویکرد تحلیل مسیر انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر در تمامی پایه‌های متوسطه اول و دوم شهر کرج (۱۸-۱۲) سال که در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل تعیین شد. در این پژوهش، نمونه‌ای از دانش‌آموزان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به اینکه حداکثر تعداد متغیرهای مستقل در مدل اندازه‌گیری و ساختاری سه مورد بود، حداقل حجم نمونه مورد نیاز برای دستیابی به توان آماری ۸۰ درصد، با فرض ضریب تعیین (R^2) حداقل معادل ۰.۱۰ و با احتمال خطای ۵ درصد، به تعداد ۱۲۴ مشاهده تعیین شد. به عبارتی، برای کسب نتایج معنادار و معتبر در پژوهش و اطمینان از توان آماری مناسب، حداقل به ۱۲۴ نفر نیاز بود. با این حال، توجه به این نکته ضروری که حجم نمونه بیشتر، به دقت بالاتر برآوردها و نتایج تحلیل‌های آماری کمک می‌کند، در نظر گرفته شده است؛ بنابراین با در نظر گرفتن اهمیت افزایش دقت و قابلیت تعمیم نتایج، و همچنین به‌منظور کاهش خطای آماری و لحاظ کردن احتمال افت نمونه‌ها در طول فرآیند پژوهش (مانند عدم همکاری یا ترک مطالعه توسط برخی از نمونه‌ها)، حجم نمونه در این پژوهش ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفت. در این راستا، از ضریب همبستگی پیرسون جهت تعیین میزان و نوع رابطه بین متغیرها استفاده شده است. همچنین، برای بررسی و تحلیل اثر متغیرها، تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان به کار برده شد. ابزار مورد استفاده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نرم‌افزار AMOS نسخه ۲۶ بود.

هدف کلی

تبیین نقش میانجی‌گری احساس بیگانگی در پیش‌بینی ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان براساس بی‌توجهی (فابینگ) ادراک شده از سوی والدین.

اهداف ویژه

- ۱- تبیین بی‌توجهی (فابینگ) ادراک شده والدین بر پیش‌بینی ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان
- ۲- تبیین احساس بیگانگی در پیش‌بینی ارتکاب قلدری سایبری براساس بی‌توجهی (فابینگ) ادراک شده والدین

سؤال‌های تحقیق

سؤال کلی

- ۱- آیا بی‌توجهی (فابینگ) ادراک شده از سوی والدین ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند؟

۲- آیا احساس بیگانگی در پیش‌بینی ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان براساس بی‌توجهی (فابینگ) ادراک شده از سوی والدین نقش میانجی‌گری دارد؟

متغیرهای تحقیق

۱- متغیر ملاک: قلدری سایبری

۲- متغیر پیش‌بین: بی‌توجهی (فابینگ)

۳- متغیر میانجی: احساس بیگانگی

ارتباط میان یافته‌های پژوهش و مطالعات پیشین

یافته‌های این پژوهش همخوانی و تطابق بالایی با مطالعات پیشین در حوزه روان‌شناسی و تعاملات خانوادگی داشته است. به‌طور کلی، در بسیاری از پژوهش‌های گذشته، ارتباط میان فابینگ والدین و اثرات منفی آن بر روابط عاطفی خانوادگی و رفتارهای سایبری نوجوانان مورد تأیید قرار گرفته است. از جمله مطالعاتی که به صورت برجسته به این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان به پژوهش‌های "پاروس و همکاران (۲۰۲۱)" و "مک‌دانیل و رادسکی (۲۰۱۸)" اشاره کرد. در این مطالعات، به‌وضوح نشان داده شده است که استفاده بیش‌ازحد والدین از تلفن‌های همراه و تکنولوژی، منجر به کاهش کیفیت و کمیت تعاملات عاطفی در خانواده می‌شود. این کاهش تعاملات باعث افزایش احساس طردشدگی، بی‌توجهی، و درنهایت ایجاد احساس بیگانگی در نوجوانان می‌شود.

در پژوهش "پاروس و همکاران (۲۰۲۱)"، به تأثیر استفاده والدین از تکنولوژی بر کاهش ارتباطات مستقیم و تعاملات چهره‌به‌چهره در خانواده پرداخته شده است. این پژوهش نشان داده است که توجه والدین به تلفن همراه، به‌ویژه در موقعیت‌های تعاملی مانند زمان صرف غذا، منجر به احساس طردشدگی و بیگانگی نوجوانان می‌شود. این احساسات منفی، نوجوانان را به سمت فضاهای مجازی سوق می‌دهد تا در آنجا بتوانند با تعاملات جدید، به نوعی نیازهای عاطفی خود را جبران کنند. همچنین، این احساسات به شکل‌های دیگری همچون قلدری سایبری، پرخاشگری و آزار دیگران در فضای مجازی بروز پیدا می‌کند. این پژوهش تأکید کرده که فضای مجازی، به‌عنوان محیطی آزاد و غیررسمی، می‌تواند برای نوجوانانی که در زندگی واقعی خود احساس بیگانگی و عدم توجه می‌کنند، تبدیل به مکانی برای ابراز احساسات سرکوب‌شده و تخلیه هیجانات منفی شود.

مطالعه "مک‌دانیل و رادسکی (۲۰۱۸)" نیز به طور اختصاصی به نقش تکنولوژی در تغییر کیفیت تعاملات خانوادگی و تأثیرات عاطفی و روانی آن پرداخته است. در این پژوهش، با تحلیل عمیق‌تر پیامدهای فابینگ والدین، به نتایجی رسیده که نشان می‌دهد احساس طردشدگی و کمبود تعاملات مثبت در خانواده، می‌تواند بر تمام ابعاد زندگی نوجوانان اثرگذار باشد. احساس نادیده گرفته شدن از سوی والدین به‌طور مستقیم بر سطح اعتماد به نفس، خودپنداره، و سلامت روان‌شناختی نوجوانان تأثیر می‌گذارد. نوجوانانی که در خانواده‌های خود احساس حمایت عاطفی نمی‌کنند، به دنبال جایگزین‌هایی برای این کمبود می‌گردند که معمولاً در فضای مجازی آن را می‌یابند.

در چنین شرایطی، نوجوانان ممکن است به رفتارهای پرخاشگرانه، قلدری سایبری، یا حتی مشارکت در گروه‌های مجازی با محتوای نامناسب روی آورند. این رفتارها علاوه بر پیامدهای عاطفی، می‌توانند تبعات گسترده‌تری نیز در زندگی فردی و اجتماعی نوجوانان به همراه داشته باشند. نتایج پژوهش‌های "مک‌دانیل و رادسکی" بر این نکته تأکید داشته که یکی از راه‌های جلوگیری از چنین رفتارهایی، افزایش تعاملات مثبت خانوادگی، کاهش استفاده بی‌رویه از تکنولوژی در محیط خانه، و ایجاد فضایی گرم و صمیمی برای تبادل عواطف و احساسات است.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

بررسی مدل پژوهش

پیش‌فرض‌های مدل پژوهشی

پیش از ورود به فرآیند تحلیل مسیر برای بررسی روابط بین متغیرها و آزمون مدل مفهومی پژوهش، ابتدا پیش‌فرض‌های آماری مهمی مورد ارزیابی قرار گرفتند. این پیش‌فرض‌ها شامل بررسی بهنجاری داده‌ها، عدم همخطی بین متغیرها، و بررسی

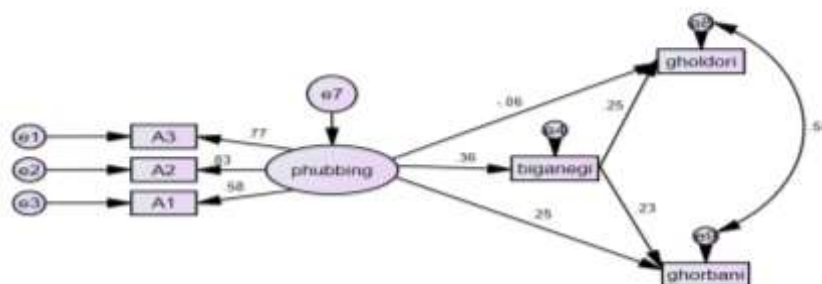
شاخص‌های عامل تورم واریانس و شاخص تحمل بوده است. جدول زیر نتایج بررسی این پیش‌فرض‌ها را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. بررسی پیش‌فرض‌های مدل پژوهشی

متغیر	کجی	کشیدگی	عامل تورم واریانس	شاخص تحمل
قربانی سایبری	1.159	1.094		
قلدری سایبری	0.552	-0.358	1.152	0.868
بیگانگی	1.061	0.304	1.41	0.709
هنجار ادراک شده	-0.303	-0.174	2.006	0.643
احساس نادیده گرفته شدن	0.315	0.253	1.795	0.498
تعارضات بین فردی	-0.271	-0.096	1.419	0.557

ارزش‌های کشیدگی و چولگی هیچ یک از متغیرها از محدوده بین ۲+ و ۲- خارج نشده است. این مطلب بیانگر آن است که توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از نرمال بودن تک متغیری انحراف آشکاری نداشته اند. از نظر کلاین (۲۰۱۶) شاخص‌های چولگی و کشیدگی بین ۲+ و ۲- بیانگر عدم انحراف چشمگیر از مفروضه منحنی نرمال است. همچنین نتایج جدول فوق نشان داد که مسئله همخطی بودن در بین متغیرهای پیش بین تحقیق رخ نداده است؛ زیرا که مقادیر ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس برای هر یک از متغیرهای پیش بین بالاتر از ۱۰ نیست.

بررسی خروجی مدل پژوهشی و شاخص‌های برازش آن



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش، نتایج ضرایب رگرسیونی استاندارد شده ی مدل

پس از بررسی همبستگی متغیرها و پیش‌فرض‌های پژوهش و وارد کردن مدل پیشنهادی در نرم‌افزار AMOS شاخص‌های برازش آن بررسی شد که نتایج نشان دهنده عدم برازش مدل از نظر شاخص‌های برازش بود و بعد از اعمال شاخص‌های اصلاح، نتایج نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار بوده است.

تجزیه و تحلیل با کاربرد روش حداکثر درست نمایی^۷ برای تخمین پارامترها، به کار برده شد. برای ارزیابی برازش مدل از شاخص نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی^۸، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۹ (RMSEA)، شاخص نیکویی برازش^{۱۰}

^۷ Maximum likelihood
chi-square ratio to free degree ^۸

^۹ Root Mean Square Error of Approximation

^{۱۰} Goodness of Fit Index

(GFI)، شاخص برازش مقایسه‌ای^{۱۱} (CFI)، شاخص برازش هنجار شده^{۱۲} (NFI) و شاخص برازندگی فزاینده^{۱۳} (IFI) استفاده شد.

شاخصی که برای برازش مدل به کار برده می‌شود شاخص کای اسکوئر به روی درجه آزادی است. توافق جمعی بر سر مقدار قابل قبول بودن این شاخص وجود ندارد. هوپر، کاگلن و مولن^{۱۴} (۲۰۰۸) مقدار بین ۱ تا ۵ را به عنوان بهترین محدوده برای این شاخص در نظر گرفته‌اند. با توجه به مقدار به دست آمده برای مدل مفهومی این پژوهش ($CMIN/DF = 2/52$) می‌توان عنوان کرد که این شاخص مطلوب بوده است.

شاخص دیگری که برای مدل مورد بررسی قرار گرفت شاخص RMSEA بود. RMSEA بدون شک یکی از مهم ترین شاخص‌های برازش مدل است. این شاخص میزان بد بودن مدل برازش شده را در مقایسه با مدل اشباع شده، مدلی که در آن تمامی روابط بین متغیرها در مدل ترسیم شده و مقدار کای اسکوئر در آن به حداقل می‌رسد برآورد می‌نماید. این معیار برخلاف مجذور کای که بسیار تحت تاثیر اندازه نمونه و تعداد متغیرهای مشاهده شده است؛ سعی دارد تصویری روشن از برآورد مدل نشان دهد. این شاخص به نحوی هم به پیچیدگی‌های مدل توجه می‌کند و هم سعی دارد مشکل اندازه نمونه را برطرف سازد (بسحاق، ۱۳۹۴). این شاخص به خاطر اینکه به تعداد پارامترهای تخمین زده شده در مدل حساس است، در سال های اخیر به عنوان یکی از شاخص‌های بسیار آگاهی بخش به حساب آمده است. به عبارتی RMSEA طرفدار اصل امساک در مدل است، یعنی مدلی که در آن پارامترهای کمتری وجود داشته باشد. در سال‌های اخیر دامنه پذیرش این شاخص تغییرات سخت گیرانه‌ای نموده است. در ابتدا مقادیر بین ۰/۵ تا ۰/۱ به عنوان دامنه برازش خوب مدل و مقادیر بالای ۰/۱ به عنوان دامنه برازش ضعیف مدل تعیین شده بود؛ چندی بعد از آن مقادیر RMSEA بین ۰/۸ تا ۰/۱ نشان دهنده برازش متوسط و کمتر از ۰/۸ نشانگر برازش خوب مدل تعیین گردید؛ بنابراین با توجه به مقدار ۰/۸ به دست آمده می‌توان گفت این مدل از برازش مناسبی برخوردار بوده است.

شاخص GFI و AGFI اولین بار توسط جورسکوگ و سوربوم (۱۹۸۹) به عنوان شاخص جایگزین کای اسکوئر در سال ۱۹۸۹ به وجود آمد که به حجم نمونه بستگی نداشته و نسبت واریانس باز تولید شده را به کمک برآورد مقدار کوواریانس مشاهده شده محاسبه می‌نماید (تاباکنیک و فیدل^{۱۵}، ۲۰۰۷). با مشاهده واریانس و کوواریانس باز تولید شده توسط مدل، شاخص GFI بیانگر میزان دقت در تکرار ماتریس کوواریانس مشاهده شده است (هوپر و همکاران، ۲۰۰۸). زمانی که مقدار زیادی درجه آزادی در مقایسه با حجم نمونه وجود داشته باشد، از مقدار GFI کاسته می‌شود (شارما، موخرجی، کومار، و دیلون^{۱۶}، ۲۰۰۵). به علاوه، مقدار GFI به شدت تحت تاثیر تعداد پارامترهای مدل می‌باشد و با افزایش آن، مقدار GFI افزایش می‌یابد (مک کالوم، و هونگ^{۱۷}، ۱۹۹۷). برای این شاخص نیز دامنه مختلفی توسط محققان در نظر گرفته شده است، برخی مقادیر بالای ۰/۹ را برای آن پیشنهاد داده‌اند (هوپر و همکاران، ۲۰۰۸). مقدار GFI برای مدل این پژوهش ۰/۹۷ و مقدار AGFI برابر با ۰/۹۲ می‌باشد که نشان دهنده ی برازش خوب مدل با داده‌ها بوده است.

شاخص برازش تطبیقی که به عنوان شاخص برازش تطبیقی بنتلر^{۱۸} نیز نامیده می‌شود؛ امروزه یکی از پرکاربردترین و مناسب ترین شاخص های تفسیری پیرامون تایید برازش خوب یا ضعیف مدل است (هویل، ۲۰۱۲). این شاخص برازش مدل فرضی را با مدل مستقل^{۱۹} مقایسه می‌کند. یکی از مزیت های CFI عدم حساسیت آن به میزان حجم نمونه است. دامنه پذیرش این شاخص بین ۰/۹ تا ۱ بوده و چنانچه مقدار آن از ۰/۹۵ بیشتر باشد، مدل موجود برازش خوبی را نشان می‌دهد (هو و بنتلر،

^{۱۱} comparative fit index

^{۱۲} Normed fit index

^{۱۳} Incremental Fit Index

^{۱۴} Hooper, Coughlan & Mullen

^{۱۵} Tabachnick & Fidell

^{۱۶} Sharma, Mukherjee, Kumar, & Dillon

^{۱۷} MacCallum & Hong

^{۱۸} Bentler

^{۱۹} Null model

(۱۹۹۹). با توجه به دامنه ی شاخص CFI و مقدار ۰/۹۶ آن برای مدل مفهوم پژوهش می توان گفت که مدل برازش خوبی را نشان داده است و با داده ها برازش پیدا کرده است.

دیگر شاخص برازش نسبی که در خروجی نرم افزار AMOS نمایش داده می شود، شاخص TLI^{20} (شاخص تاکر و لویس) می باشد که به شاخص برازش هنجار شده (NFI) شناخته شده تر می باشد. این آماره مدل را از جهت مقایسه بین مقادیر کای اسکوتر مدل مستقل (مدلی که در آن هیچگونه رابطه ای بین متغیرهای مدل وجود ندارد و کوواریانس بین آن ها برابر با صفر است) و کای اسکوتر مدل اشباع شده ارزیابی می کند (هویل، ۲۰۱۲). برازش مناسب این شاخص زمانی است که مقدار آن بالاتر از ۰/۹۵ باشد. مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ را نیز می توان قابل قبول دانست؛ اما کمتر از ۰/۹۰ نشان دهنده آن است که مدل از برازش مناسبی برخوردار نیست (هو و بنتلر، ۱۹۹۹). مقدار شاخص NFI برای این مدل ۰/۹۴ به دست آمد که حاکی از این است که مدل به خوبی با داده ها برازش پیدا کرده است.

بولن^{۲۱} (۱۹۸۹) شاخص برازش فزاینده (IFI) را در راستای بهبود شاخص NFI معرفی نمود؛ شاخص NFI در مدل های اشباع شده با حجم نمونه کم به ۱ نزدیک نمی شود (هویل، ۲۰۱۲)؛ در همین راستا شاخص IFI بولن براساس مقایسه بین مدل نظری و مدل مستقل معرفی گردید. دامنه پذیرش این شاخص برای پذیرش مدل تدوین شده ۰/۹۰ و تأیید خوب بودن مدل برازش شده ۰/۹۵ در نظر گرفته شد (کلاین، ۲۰۱۵). برای مدل مفهوم این پژوهش شاخص برازش فزاینده (IFI)، ۰/۹۶ به دست آمد که نشان دهنده ی برازش خوب و تأییدی بر این برازش بوده است.

به طور کلی با توجه به شاخص های برازش به دست آمده از برازش مدل می توان نتیجه گرفت که این مدل از برازش خوبی برخوردار بوده است.

جدول ۲. شاخص های برازش مدل

شاخص برازش مدل	مقدار به دست آمده	مقدار مناسب شاخص	وضعیت
درجه آزادی مدل	7	+	مناسب
χ^2/df	2.52	کمتر از ۵	مناسب
GFI	0.97	> 0.95	مطلوب
AGFI	0.92	> 0.90	مطلوب
CFI	0.96	> 0.95	مطلوب
RMSEA	0.08	< 0.10	مناسب
NFI	0.94	> 0.90	مطلوب
IFI	0.96	> 0.90	مطلوب

بررسی سؤالات پژوهش

• سوال اول: آیا بی توجهی (فابینگ) ادراک شده از سوی والدین ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان را پیش بینی می کند؟

• سوال دوم: آیا احساس بیگانگی در پیش بینی ارتکاب قلدری سایبری در نوجوانان براساس بی توجهی (فابینگ) ادراک شده از سوی والدین نقش میانجی دارد؟

تحلیل ها نشان دادند که احساس بیگانگی به طور مستقیم اثر معناداری بر قلدری سایبری ($\beta = 0.23$) و قربانی سایبری ($\beta = 0.21$) دارد. این نتایج نشان دهنده آن بوده است که با افزایش احساس بیگانگی در نوجوانان، احتمال ارتکاب یا تجربه قلدری سایبری افزایش می یابد. همچنین، یافته ها نشان دادند که ادراک فابینگ از سوی والدین بر قربانی سایبری ($\beta = 0.25$) اثری

^{۲۰} Tucker & Lewis

^{۲۱} Bollen

معنادار داشته، اما اثر آن بر قلدری سایبری ($\beta = -0.06$) معنادار نبوده است. این نتایج نشان داد که بی‌توجهی والدین تأثیر مهمی بر تجربه قربانی شدن در فضای سایبری دارد، در حالی که تأثیر مستقیمی بر انجام رفتارهای قلدری سایبری ندارد.

نقش میانجی‌گری احساس بیگانگی: نتایج حاکی از آن است که ادراک فابینگ از سوی والدین، با نقش میانجی‌گری احساس بیگانگی، می‌تواند هم قربانی سایبری ($\beta = 0.14$) و هم قلدری سایبری ($\beta = 0.13$) را پیش‌بینی کند؛ به عبارت دیگر، احساس بیگانگی به‌عنوان یک متغیر میانجی، نقشی کلیدی در انتقال اثرات بی‌توجهی والدین به رفتارهای سایبری نوجوانان دارد.

نتایج این پژوهش نشان داد که بی‌توجهی والدین، که به‌عنوان فابینگ ادراک‌شده شناخته می‌شود، می‌تواند بر احساسات درونی نوجوانان تأثیر بگذارد و منجر به احساس بیگانگی، به‌نوبه خود، می‌تواند منجر به بروز رفتارهای منفی نظیر قلدری سایبری یا قربانی شدن در فضای اینترنتی شود. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن بوده است که وقتی نوجوانان احساس کنند که توسط والدین نادیده گرفته می‌شوند یا به نیازها و احساسات آن‌ها توجه نمی‌شود، احتمالاً این احساس نادیده گرفته شدن به نوعی احساس بیگانگی منجر می‌شود که این احساس نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارهای سایبری منفی ایفا می‌کند.

بحث

یافته‌های پژوهش به روشنی نشان دادند که احساس بیگانگی به‌عنوان یک متغیر میانجی، نقش مهمی در پیش‌بینی ارتکاب به قلدری سایبری در نوجوانان دارد. این احساس بیگانگی، به‌عنوان یک پدیده روان‌شناختی عمیق، از عواملی مانند تعاملات خانوادگی و ارتباطات اجتماعی نشأت می‌گیرد و می‌تواند به شدت بر نگرش‌ها و رفتارهای نوجوانان تأثیر بگذارد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بی‌توجهی ادراک‌شده از سوی والدین، که به‌عنوان پدیده فابینگ شناخته می‌شود، به شکل قابل‌توجهی با ایجاد احساس بیگانگی در نوجوانان مرتبط است. در واقع، فابینگ یا بی‌توجهی والدین به دلیل استفاده مفرط از تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر روابط خانوادگی و عاطفی است که می‌تواند به افزایش این احساس بیگانگی در نوجوانان منجر شود. این بی‌توجهی والدین نه‌تنها به‌عنوان یک عامل محیطی منفی عمل می‌کند، بلکه به صورت غیرمستقیم با ایجاد احساس بی‌ارزشی، نادیده گرفته شدن و کاهش اعتماد به نفس در نوجوانان، بر رفتارهای قلدری آنان در فضای سایبری اثرگذار است. نوجوانانی که احساس می‌کنند حضور و نیازهایشان از سوی والدین نادیده گرفته می‌شود، به مرور ممکن است دچار احساس انزوا و طردشدگی شوند. این احساسات منفی به نوبه خود به افزایش رفتارهای پرخاشگرانه و تمایل به قلدری در فضای مجازی منجر می‌شود.

این پژوهش به شکلی سیستماتیک نشان داد که تعاملات خانوادگی و کیفیت ارتباطات والدین با نوجوانان، می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رفتارهای سایبری آنان تأثیرگذار باشد. در این میان، نقش والدین بسیار برجسته است؛ چرا که ارتباطات عاطفی و توجه کافی به نیازهای روان‌شناختی نوجوانان، می‌تواند از ایجاد حس بیگانگی جلوگیری کرده و در نتیجه احتمال بروز رفتارهای قلدری سایبری را کاهش دهد. از سوی دیگر، در صورتی که والدین به جای توجه به نوجوانان، زمان زیادی را در شبکه‌های اجتماعی و فعالیت‌های آنلاین سپری کنند، این رفتارها می‌تواند به تقویت احساس بیگانگی و درنهایت افزایش رفتارهای منفی سایبری در نوجوانان منجر شود.

فابینگ والدین، نه‌تنها بر روابط عاطفی درون خانواده تأثیر می‌گذارد، بلکه پیامدهای روان‌شناختی گسترده‌ای دارد که می‌تواند به رفتارهای پرخاشگرانه، قلدری و آزار دیگران در فضای مجازی دامن بزند. این موضوع اهمیت پرداختن به روابط خانوادگی سالم و ایجاد محیطی پر از تعاملات مثبت، گرم و حمایتگر را برجسته می‌سازد. نوجوانانی که به دلیل فابینگ والدین دچار احساس بیگانگی می‌شوند، ممکن است به دنبال جلب توجه، تخلیه احساسات منفی یا پر کردن خلأهای عاطفی خود، به فعالیت‌های پرخاشگرانه در فضای مجازی روی آورند. فضای سایبری، با فراهم کردن فرصت‌هایی برای ناشناس ماندن و آزادی بیشتر در بیان احساسات، محیط مناسبی برای بروز این رفتارها ایجاد می‌کند.

پژوهش حاضر نشان داد که برای پیشگیری از قلدری سایبری در نوجوانان، لازم است که والدین به نقش مهم خود در تعاملات خانوادگی آگاه باشند و به‌طور هدفمند به نیازهای عاطفی و روانی فرزندان‌شان پاسخ دهند. ایجاد محیطی گرم، صمیمی و پر از

حمایت، همراه با مدیریت درست زمان استفاده از تکنولوژی، می تواند نقش مؤثری در جلوگیری از احساس بیگانگی و کاهش رفتارهای منفی سایبری در نوجوانان داشته باشد.

تأثیر بی توجهی (فابینگ) والدین و میانجی گری احساس بیگانگی بر رفتارهای سایبری

تأثیر فابینگ والدین بر رفتارهای سایبری و نقش میانجی گری احساس بیگانگی در این میان، یکی از موضوعات اساسی و بحرانی است که در پژوهش حاضر به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان داد که بی توجهی والدین به دلیل استفاده بیش از حد از تکنولوژی، به ویژه تلفن همراه و حضور در شبکه های اجتماعی، می تواند تأثیرات روان شناختی قابل توجهی بر روی نوجوانان داشته باشد. پدیده فابینگ والدین یا همان غرق شدن در تکنولوژی و بی توجهی به حضور فیزیکی و نیازهای عاطفی فرزندان است، به مرور باعث شکل گیری فاصله عاطفی در روابط خانوادگی می شود و پیامدهای گسترده ای بر سلامت روانی نوجوانان به جای می گذارد.

نوجوانان در سنین حساس رشد، به شدت به تعاملات رو در رو و توجه والدین به نیازهایشان وابسته هستند. هنگامی که والدین به دلیل اشتغال به تکنولوژی و فعالیت های آنلاین از جمله شبکه های اجتماعی، کمتر وقت و توجه کافی را به فرزندان خود اختصاص می دهند، احساس نادیده گرفته شدن و بیگانگی در نوجوانان افزایش می یابد. این وضعیت، نوجوانان را به سمت انزوا، کاهش اعتماد به نفس، و در نهایت احساس طردشدگی و بیگانگی سوق می دهد. نوجوانان زمانی که احساس کنند به طور کافی مورد توجه و محبت والدین قرار نمی گیرند، ممکن است به دنبال راه های جایگزینی برای جلب توجه و تخلیه هیجانات خود باشند. در اینجا، فضای مجازی نقش محوری پیدا می کند. نوجوانانی که احساس بیگانگی می کنند، از فرصت های ناشناس بودن و آزادی بیشتر در اینترنت برای ابراز احساسات، نگرش ها و تخلیه هیجانات خود بهره می برند. این احساسات ممکن است در قالب رفتارهای منفی مانند قلدری سایبری، پرخاشگری، یا آزار دیگران در فضای مجازی بروز پیدا کند.

نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که فابینگ والدین تنها بر روی روابط عاطفی والد-فرزند تأثیر نمی گذارد، بلکه باعث تغییرات قابل توجهی در ساختار روانی و هویت یابی نوجوانان نیز می شود. در این شرایط، نوجوانان ممکن است احساس کنند که والدین از نظر عاطفی و اجتماعی در دسترس نیستند و این امر به ایجاد یک شکاف عمیق در روابط خانوادگی می انجامد. این شکاف عاطفی نه تنها باعث ایجاد احساس بیگانگی می شود، بلکه می تواند در مسیر هویت یابی و رشد روان شناختی نوجوانان اختلال ایجاد کند. از سوی دیگر، فضای مجازی محیطی مناسب برای رفتارهای پرخاشگرانه، قلدری سایبری و نمایش قدرت است، که برای نوجوانانی که احساس طردشدگی و بیگانگی می کنند، جاذبه بیشتری دارد. این رفتارها می تواند به طور ناخودآگاه به عنوان راهی برای ابراز وجود، تخلیه احساسات منفی یا حتی جلب توجه دیگران در فضای مجازی عمل کند.

از سوی دیگر، فضای مجازی به دلیل ویژگی هایی مانند ناشناس ماندن، فرصت های بیشتری برای بروز رفتارهای پرخاشگرانه فراهم می کند. در واقع، محیط آنلاین به نوجوانانی که در تعاملات واقعی احساس نادیده گرفته شدن و بی توجهی می کنند، امکان ابراز احساسات منفی، ابراز قدرت و حتی تسویه حساب های عاطفی را می دهد. به همین دلیل، نوجوانانی که در محیط خانواده احساس طردشدگی و بیگانگی می کنند، ممکن است از فرصت های فضای مجازی برای جبران این کاستی ها و تخلیه تنش های خود بهره برداری کنند.

فابینگ والدین به عنوان یک عامل تأثیرگذار به طور مستقیم به قربانی سایبری بودن نوجوانان مرتبط شده است. در واقع، نوجوانانی که از جانب والدین احساس بی توجهی می کنند، ممکن است به دلیل افزایش احساس طرد و انزوا، بیشتر در معرض رفتارهای قربانی شدن سایبری قرار گیرند.

تحلیل داده ها نشان داد که متغیر «قربانی سایبری» با متغیر قلدری سایبری ارتباط مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، افرادی که قربانی سایبری می شوند، احتمال بیشتری دارند که خود در رفتارهای قلدری سایبری نیز درگیر شوند. این نکته بر اهمیت روابط دوجانبه بین قربانی و قلدری سایبری تأکید دارد و می تواند بیانگر فرآیندهای تعاملی پیچیده ای باشد که در میان نوجوانان رخ می دهد.

قربانیان سایبری معمولاً با پیامدهای روانی جدی مانند اضطراب، افسردگی و کاهش اعتماد به نفس مواجه می شوند. این احساسات می توانند منجر به کناره گیری از فعالیت های اجتماعی، گوشه گیری و عدم توانایی در تعامل مثبت با همسالان شوند.

پژوهش‌های قبلی نیز تأکید کرده‌اند که تعاملات عاطفی کاهش‌یافته با والدین، مخصوصاً در صورتی که با استفاده مداوم از تکنولوژی ترکیب شود، می‌تواند موجب ایجاد احساس بیگانگی در نوجوانان و در نتیجه افزایش آسیب‌پذیری آنان در برابر قلدری سایبری شود.

از سوی دیگر، تجربیات قربانی سایبری بودن، با تشدید احساسات منفی همچون خشم و ترس همراه است. این تجربیات می‌تواند به صورت ناخودآگاه باعث تغییر رفتارهای نوجوان و حتی بروز واکنش‌های پرخاشگرانه شود. این امر نشان‌دهنده چرخه‌ای آسیب‌زا بوده است که در آن فرد قربانی می‌تواند خود به یک قلدر سایبری تبدیل شود، زیرا این رفتارها برای او به عنوان ابزاری برای تخلیه هیجانی و مقابله با استرس و اضطراب تبدیل می‌شود.

با توجه به اهمیت نقش والدین و تاثیر عاطفی تعاملات خانواده بر پیشگیری از قلدری سایبری، لازم است تا والدین با کنترل بیشتر و ارائه آموزش‌های مناسب به نوجوانان، سعی در کاهش احساس بیگانگی و افزایش اعتماد به نفس فرزندان خود کنند. همچنین، اجرای برنامه‌های آموزشی برای والدین و نوجوانان جهت آگاهی از پیامدهای منفی فضای مجازی و نحوه مقابله با قلدری سایبری می‌تواند تأثیرات مثبتی بر کاهش قربانی شدن در فضای سایبری داشته باشد.

نتیجه‌گیری نهایی

به طور کلی، یافته‌های این پژوهش به‌خوبی نشان داد که احساسات عاطفی و کیفیت روابط خانوادگی، از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری رفتارهای سایبری در نوجوانان هستند. والدین به عنوان الگوهای اصلی رفتار و نگرش در خانواده، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد محیطی مثبت و حمایتگر دارند. با توجه به نتایج پژوهش، والدینی که به نیازهای عاطفی و روانی فرزندان‌شان توجه می‌کنند، زمان مناسبی را برای تعامل با آن‌ها اختصاص می‌دهند، و استفاده متعادل و هدفمندی از تکنولوژی دارند، احتمال کمتری دارد که فرزندان‌شان احساس بیگانگی کنند و به قلدری سایبری یا دیگر رفتارهای منفی در فضای مجازی روی آورند. یافته‌های پژوهش نشان داد که برای پیشگیری از بروز قلدری سایبری و مشکلات مرتبط با آن، لازم است که توجه کافی به ارتقاء مهارت‌های عاطفی و اجتماعی نوجوانان، آموزش والدین درباره نحوه استفاده صحیح از تکنولوژی، و ایجاد محیط‌های حمایتی در خانواده و مدارس صورت گیرد. این اقدامات می‌تواند به کاهش احساس بیگانگی، تقویت روابط خانوادگی، و در نتیجه کاهش بروز رفتارهای منفی سایبری در نوجوانان منجر شود.

با این حال، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده به بررسی عمیق‌تر عوامل مرتبط با احساس بیگانگی و قلدری سایبری در نوجوانان، تحلیل تأثیرات بلندمدت استفاده والدین از تکنولوژی بر روابط خانوادگی، و توسعه برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای حمایت از نوجوانان در فضای مجازی بپردازند. این رویکرد می‌تواند به درک بهتری از نقش تکنولوژی و روابط خانوادگی در سلامت روانی و اجتماعی نوجوانان منجر شود و به ارائه راهکارهای مناسب برای کاهش آسیب‌های فضای مجازی کمک کند.

پیشنهادهات

• پیشنهادهات برای والدین و خانواده‌ها

یکی از مهم‌ترین راهکارهایی که والدین می‌توانند برای کاهش احساس بیگانگی و پیشگیری از بروز رفتارهای منفی در فرزندان خود اتخاذ کنند، ایجاد فضایی گرم، محبت‌آمیز و حمایتی در خانواده است. والدین باید زمان‌هایی را برای گفت‌وگو و تعامل با فرزندان‌شان اختصاص دهند، به احساسات و نیازهای آن‌ها گوش فرا دهند، و از ابراز علاقه و محبت دریغ نکنند. والدین می‌توانند با محدود کردن زمان استفاده از تلفن‌های همراه و شبکه‌های اجتماعی، تمرکز خود را بر روابط خانوادگی افزایش دهند. لازم است که والدین خود نیز به عنوان الگوهایی از رفتار صحیح با تکنولوژی عمل کنند و به فرزندان خود نشان دهند که چگونه می‌توان از تکنولوژی به صورت متعادل و هدفمند استفاده کرد.

به علاوه، ایجاد محیط‌هایی برای فعالیت‌های مشترک خانوادگی، مانند بازی‌های گروهی، فعالیت‌های ورزشی، و گردش‌های خانوادگی، می‌تواند به تقویت روابط خانوادگی و کاهش احساسات بیگانگی در نوجوانان کمک کند.

• پیشنهادهات برای مدارس و نهادهای آموزشی

مدارس و نهادهای آموزشی نیز نقش مهمی در پیشگیری از بروز قلدری سایبری و حمایت از نوجوانان ایفا می‌کنند. مدارس

می‌توانند با ارائه آموزش‌های روان‌شناختی در زمینه شناخت و مدیریت هیجانات، تقویت مهارت‌های اجتماعی، و آموزش‌های مربوط به فضای مجازی و آسیب‌های آن، به نوجوانان کمک کنند تا با آگاهی و دانش بیشتری با مشکلات فضای مجازی مواجه شوند.

علاوه بر این، معلمان و مشاوران مدرسه باید بتوانند نشانه‌های اولیه احساس بیگانگی، قلدری سایبری، و دیگر مشکلات روانی و اجتماعی را در دانش‌آموزان شناسایی کنند و به موقع اقدامات لازم را انجام دهند. ارائه مشاوره‌های فردی و گروهی، ایجاد برنامه‌های حمایتی و تقویتی برای نوجوانان آسیب‌دیده، و ایجاد برنامه‌های آموزشی و پیشگیری برای والدین، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به ارتقاء سلامت روانی و اجتماعی نوجوانان کمک کنند.

منابع فارسی

۱. عباسی سلطانی، جعفر؛ علمی، محمود. (۲۰۱۹). بررسی رابطه بین میزان فعالیت در فضای مجازی و بیگانگی اجتماعی دانشجویان دانشگاه‌های مرند. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۲ (۴۲)، ۸۳-۱۰۲.
۲. بابایی، کریم، تاج‌الدینی، امراه؛ امین زاده، ژاله. (۲۰۱۸). بررسی مقایسه‌ای سیستم حساسیت به تنبیه، سیستم حساسیت به پاداش و عصب‌شناسی عاطفی شخصیت بر اساس ابعاد سایکوپاتولوژیک دختران نوجوان. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۱۳ (۵۰)، ۶۷-۷۶.
۳. بشرپور، سجاد؛ و زردی، بهمن. (۱۳۸۹). خصوصیات روانسنجی مقیاس تجربه قلدری- قربانی سایبری در دانش‌آموزان. *فصلنامه روانشناسی مدرسه*، ۸ (۱)، ۵۷-۴۳.
۴. جوزی، حسن؛ رمضانپور، فرزانه؛ بگیان کوله مرز، محمد جواد. (۲۰۲۳). الگویی ساختاری سبک‌های دلبستگی، سه گانه تاریک شخصیت، حساسیت به طرد شدن با اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی با میانجی‌گری مهارت‌های ارتباطی در دانش‌آموزان. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۲ (۴۸)، ۱-۲۰.
۵. حسینی اسفیدواجانی، مطهره السادات؛ قربان جهرمی، درتاج؛ حسینی، سید بشیر. (۲۰۲۳). هیجان‌های منفی، ترس از در حاشیه ماندن و قربانی قلدری سایبری: یک مدل معادلات ساختاری برای نوجوانان. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ۱۳ (۴۹)، ۹۱-۱۰۱.
۶. صفری، اقدس؛ امینی، ناصر؛ بهروزی، محمد، جعفری نیا، غلامرضا. (۲۰۲۱). مقایسه اثربخشی آموزش همدلی با آموزش مبتنی بر دیدگاه‌گیری اجتماعی بر هوش هیجانی نوجوانان دارای قلدری سایبری. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۸ (۴)، ۵۵۳-۵۶۷.
۷. مجدی، فیروزه؛ بلقان آباد، مصطفی؛ منصوری، احمد؛ اکبرزاده، مهدی؛ خدابخش، محمدرضا. (۲۰۲۱). نقش میانجی نشخوار خشم در رابطه کارکردهای خانواده با قلدری سایبری نوجوانان. *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴ (۲)، ۱-۱۵.
۸. حسن اصفهانی، مصطفی؛ خانجانی، مهدی؛ بذرام، عادل. (۲۰۲۱). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس عمومی فابینگ. *فصلنامه اندیشه‌گیری تربیتی*، ۱۲ (۴۶)، ۷-۲۶.
۹. انجمن روانپزشکی آمریکا. (۱۳۹۶). راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (ویراست پنجم). (فرزین رضایی و دیگران، مترجمان). (چاپ چهارم). تهران: نشر ارجمند. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۱۳).
۱۰. طاهریان، زهرا (۱۳۹۸). رابطه بین اعتیاد به تلفن همراه با میزان شادکامی در زنان خانه دار. *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۵ (۱)، ۲۰-۲۶.
۱۱. حسین پور، الهام؛ عسگری، علی؛ آیتی، محسن. (۲۰۱۶). رابطه اعتیاد به اینترنت و تلفن همراه با فرسودگی تحصیلی دانشجویان. *فصلنامه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۶ (۴)، ۵۹-۷۳.

۱۲. شاه‌رودی، سمیه؛ سلطانی، فریدون؛ نوری، نرگس؛ ریگی، افسانه. (۱۳۹۷). بررسی رابطه وابستگی اعتیاد گونه به تلفن همراه با انگیزه پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان شهر خاش منطقه بلوچستان. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۵(۶)، ۵۷-۷۰.

۱۳. مشتاق عشق زهرا، سعیدی مریم، عابدسعیدی ژیللا، علوی مجد حمید، نجفی عابدی زهرا. بررسی موارد خشونت نسبت به پرستاران در بخش‌های اورژانس بیمارستان‌های وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. نشریه دانشکده پرستاری و مامایی

۱۴. منابع لاتین

15. Almor, T. (2013). Conceptualizing paths of growth for technology-based born-global firms originating in a small-population advanced economy. *International Studies of Management & Organization*, 43(2), 56-78.
16. Ante-Contreras, D. (2016). Distracted parenting: How social media affects parent-child attachment.
17. Bogenschneider, K. (1996). An ecological risk/protective theory for building prevention programs, policies, and community capacity to support youth. *Family relations*, 127-138.
18. Burgoon, J. K. (1993). Interpersonal expectations, expectancy violations, and emotional communication. *Journal of language and social psychology*, 12(1-2), 30-48.
19. Bronfenbrenner, U. (1986). Alienation and the four worlds of childhood. *The Phi Delta Kappan*, 67(6), 430-436.
20. Bai, Q., Bai, S., Dan, Q., Lei, L., & Wang, P. (2020). Mother phubbing and adolescent academic burnout: The mediating role of mental health and the moderating role of agreeableness and neuroticism. *Personality and Individual Differences*, 155, 109622.
21. Chávez-Feria, S., García-Castro, R., & Poveda-Villalón, M. (2021, June). Converting UML-based ontology conceptualizations to OWL with Chowlk. In *European Semantic Web Conference* (pp. 44-48). Cham: Springer International Publishing.
22. Chang, F. C., Chiu, C. H., Chen, P. H., Chiang, J. T., Miao, N. F., Chuang, H. Y., & Liu, S. (2019). Children's use of mobile devices, smartphone addiction and parental mediation in Taiwan. *Computers in Human Behavior*, 93, 25-32.
23. Cebollero-Salinas, A., Orejudo, S., Cano-Escoriaza, J., & Íñiguez-Berrozpe, T. (2022). Cybergossip and Problematic Internet Use in cyberaggression and cybervictimisation among adolescents. *Computers in Human Behavior*, 131, 107230.
24. Conger, R. D., Conger, K. J., Elder Jr, G. H., Lorenz, F. O., Simons, R. L., & Whitbeck, L. B. (1992). A family process model of economic hardship and adjustment of early adolescent boys. *Child development*, 63(3), 526-541.
25. China Internet Network Information Center. (2019). The 43th statistic report of China internet network development state. Author. <https://cnnic.com.cn/IDR/ReportDownloads/201911/P020191112538996067898.pdf>.
26. Coleman, J. C. (2011). *The nature of adolescence*. Routledge.
27. Chotpitayasunondh, V., & Douglas, K. M. (2018). Measuring phone snubbing behavior: Development and validation of the Generic Scale of Phubbing (GSP) and the Generic Scale of Being Phubbed (GSBP). *Computers in Human Behavior*, 88, 5-17.
28. de Wit, M., Gajewska, K. A., Goethals, E. R., McDarby, V., Zhao, X., Hapunda, G., ... & DiMeglio, L. A. (2022). ISPAD clinical practice consensus guidelines 2022:

- psychological care of children, adolescents and young adults with diabetes. *Pediatric diabetes*, 23(8), 1373.
29. Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113 (3), 487-496.
 30. David, M. E., & Roberts, J. A. (2017). Phubbed and alone: Phone snubbing, social exclusion, and attachment to social media. *Journal of the Association for Consumer Research*, 2(2), 155-163.
 31. Ding, Q., Kong, L., Zhang, Y., Zhou, Z., & Hu, W. (2018). Parents phubbing and mobile phone addiction in junior high school students: A cross-lagged analysis. *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 26(5), 952-955.
 32. Elboj-Saso, C., Íñiguez-Berrozpe, T., Cebollero Salinas, A., & Bautista Alcaine, P. (2023). "Listen to me!" The role of family supervision and parental phubbing in youth cyberbullying. *Family Relations*.
 33. Estévez, E., Estévez, J. F., Segura, L., & Suárez, C. (2019). The influence of bullying and cyberbullying in the psychological adjustment of victims and aggressors in adolescence. *International journal of environmental research and public health*, 16(12), 2080.
 34. McDaniel, B. T. (2019). Parent distraction with phones, reasons for use, and impacts on parenting and child outcomes: A review of the emerging research. *Human Behavior and Emerging Technologies*, 1(2), 72-80.
 35. McDaniel, B. T., & Coyne, S. M. (2016). Technology interference in the parenting of young children: Implications for mothers' perceptions of coparenting. *The Social Science Journal*, 53(4), 435-443.
 36. McDaniel, B. T., & Radesky, J. S. (2018). Technoference: Longitudinal associations between parent technology use, parenting stress, and child behavior problems. *Pediatric research*, 84(2), 210-218.
 37. McDaniel, B. T., & Radesky, J. S. (2018). Technoference: Parent distraction with technology and associations with child behavior problems. *Child development*, 89(1), 100-109.
 38. McDaniel, B. T., Galovan, A. M., Cravens, J. D., & Drouin, M. (2018). "Technoference" and implications for mothers' and fathers' couple and coparenting relationship quality. *Computers in human behavior*, 80, 303-313.
 39. McDaniel, B. T., & Wesselmann, E. (2021). "You phubbed me for that?" Reason given for phubbing and perceptions of interactional quality and exclusion. *Human Behavior and Emerging Technologies*, 3(3), 413-422.
 40. Parus, M., Adu, A., & Kerat, M. K. P. (2021). Phubbing Behavior and Quality of Friendship in Faculty of Public Health, Nusa Cendana University. *Journal of Health and Behavioral Science*, 3(1), 13-23.
 41. Oduor, E., Neustaedter, C., Odom, W., Tang, A., Moallem, N., Tory, M., & Irani, P. (2016). The frustrations and benefits of mobile device usage in the home when co-present with family members. In *Proceedings of the 2016 ACM conference on designing interactive systems* (1315-1327).
 42. Qu, J., Lei, L., Wang, X., Xie, X., & Wang, P. (2022). Mother phubbing and adolescent cyberbullying: the mediating role of perceived mother acceptance and the moderating role of emotional stability. *Journal of interpersonal violence*, 37(11-12), NP9591-NP9612.
 43. Reed, J., Hirsh-Pasek, K., & Golinkoff, R. M. (2017). Learning on hold: Cell phones sidetrack parent-child interactions. *Developmental psychology*, 53(8), 1428.

44. Rayce, S. B., Kreiner, S., Damsgaard, M. T., Nielsen, T., & Holstein, B. E. (2018). Measurement of alienation among adolescents: construct validity of three scales on powerlessness, meaninglessness and social isolation. *Journal of patient-reported outcomes*, 2(1), 1-12.
45. Rubin, K. H., Coplan, R. J., & Bowker, J. C. (2009). Social withdrawal in childhood. *Annual review of psychology*, 60, 141-171.
46. Sîrbu, A. G., Vintilă, M., Tisu, L., Ștefănuț, A. M., Tudorel, O. I., Măguran, B., & Toma, R. A. (2020). Parental alienation-development and validation of a behavioral anchor scale. *Sustainability*, 13(1), 316.
47. Rayce, S. L., Holstein, B. E., & Kreiner, S. (2009). Aspects of alienation and symptom load among adolescents. *The European Journal of Public Health*, 19(1), 79-84.
48. Szczepańczyk, M., Nowodziński, P., & Sikorski, A. (2023). ESG Strategy and Financial Aspects Using the Example of an Oil and Gas Midstream Company: The UNIMOT Group. *Sustainability*, 15(18), 13396.
49. Schodt, K. B., Quiroz, S. I., Wheeler, B., Hall, D. L., & Silva, Y. N. (2021). Cyberbullying and mental health in adults: The moderating role of social media use and gender. *Frontiers in psychiatry*, 12, 674298.
50. Stockdale, L. A., Coyne, S. M., & Padilla-Walker, L. M. (2018). Parent and child technoference and socioemotional behavioral outcomes: A nationally representative study of 10-to 20-year-old adolescents. *Computers in Human Behavior*, 88, 219-226.
51. Small, S., & Memmo, M. (2004). Contemporary models of youth development and problem prevention: Toward an integration of terms, concepts, and models. *Family relations*, 53(1), 3-11.
52. Seeman, M. (1983). Alienation motifs in contemporary theorizing: The hidden continuity of the classic themes. *Social Psychology Quarterly*, 171-184.
53. Roberts, J. A., & David, M. E. (2016). My life has become a major distraction from my cell phone: Partner phubbing and relationship satisfaction among romantic partners. *Computers in Human Behavior*, 54, 134-141.
54. 93. McDaniel, B. T., & Coyne, S. M. (2016). "Technoference": The interference of technology in couple relationships and implications for women's personal and relational well-being. *Psychology of Popular Media Culture*, 5(1), 85-98.
55. Seeman, M. (1959). On the meaning of alienation. *American Sociological Review*, 24(6), 783-791.
56. Eşitti, B., & Erden, S. Ç. (2020). Relationship between mobile phone addiction and psychological symptoms in adolescents. *Journal of Family Counseling and Education*, 5(1), 1-10.
57. McDaniel, B. T., & Radesky, J. S. (2018). Technoference: Parent distraction with technology and associations with child behavior problems. *Child Development*, 89(1), 100-109.
58. Hart, C. H., Newell, L. D., & Olsen, S. F. (2003). Parenting skills and social-communicative competence in childhood. In L. Kuczynski (Ed.), *Handbook of dynamics in parent-child relations* (pp. 111-145). Sage Publications.
59. Chóliz, M. (2012). Mobile-phone addiction in adolescence: The test of mobile phone dependence (TMD). *Progress in Health Sciences*, 2(1), 33-44.